

# بانوی نخستین‌ها: نگاهی به تاریخ‌نگاری استاد شیرین بیانی

جواد عباسی

دانشیار پیشین گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

من آن زنم که همه کار من نکوکاریست  
به زیر مقنعه من بسی کله‌داریست<sup>۱</sup>

برای قرن‌ها محور گزارش‌های مورخان از تاریخ ایران و جهان در عصر امپراتوری مغول شرح چگونگی شکل‌گیری آن امپراتوری و عملیات نظامی آنها بود. این رویکرد

<sup>۱</sup>بیتی از سروده پادشاه خاتون، فرمانروای قراختایی کرمان، هم‌زمان با فرمانروایی ایلخانان مغول بر ایران. او از جانب پدر نوه هلاکوخان، بنیادگذار حکومت ایلخانی، بود و از جانب مادر به ابش خاتون، دختر اتابک سعدبن زنگی حاکم اتابکی فارس، نسب می‌برد. پادشاه خاتون زنی مقتدر و در عین حال پشتیبان جدی ادب و فرهنگ بود و آبادانی‌های بسیار در کرمان کرد. از جمله کارهای منحصر به فرد او این بود که مالی را وقف کرد تا هر روز صد من نان به صد زن بیوه بدهند که سرپرست ندارند. متن کامل سروده چنین است: من آن زنم که همه کار من نکوکاریست / به زیر مقنعه من بسی کله‌داریست / جمال طلعت خود را دریغ می‌دارم / از آفتاب که آن هرزه‌گرد بازاریست / درون پرده عصمت که تکیه‌گاه من است / مسافران صبارا گذر به دشواریست / به هر که مقنعه‌ای بخشم از سرم گوید / چه جای مقنعه، تاج هزار دیناریست / نه هر زنی به دو گز مقنعه‌ست کدبانو / نه هر سری به کلاهی سزای سرداریست. بنگرید به محمدابراهیم باستانی پاریزی، گذر زن / از گذار تاریخ (تهران: نشر علم، ۱۳۸۴)، ۴۷۱-۴۷۲.

Javad Abbasi, "A Pioneering Woman: A Historiographical Review of Professor Shirin Bayani's Scholarship," *Iran Namag*, Volume 5, Number 1 (Spring 2020), 3-15.

جواد عباسی <jahistorian@gmail.com> دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام در دانشگاه تهران، دانشیار پیشین گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، مدرس مدعو دانشگاه ایالتی اوهایو (۲۰۱۲-۲۰۱۵) و پژوهشگر مطالعات تاریخ ایران در دوره‌های مغول و تیموری با تمرکز بر مسائل اجتماعی-فرهنگی است.

برخاسته از اهمیت قدرت نظامی مغولان و چند دهه حملات ویرانگر و پیشروی‌های شگفت‌انگیز آنها در حدفاصل چین تا مدیترانه و نیز چنان که دیوید مورگان یادآور شده است، پیروی از علایق وقایع‌نگاران معاصر امپراتوری مغولان در ثبت لشکرکشی‌ها، نبردها، کشتارها و کشکمش‌های فرقه‌ای بوده است.<sup>۲</sup> اگرچه با گسترش تاریخ‌نگاری مدرن و جامع‌نگر در قرن بیستم رفته‌رفته مورخان و مردم‌شناسان به جنبه‌های دیگری از تاریخ این دوره نیز توجه کردند، اما فقط در آستانهٔ قرن بیست‌ویکم بود که گرایشی قابل توجه به بررسی ابعاد دیگری از تاریخ عصر امپراتوری مغول نمایان شد. این گرایش تا آنجا جدی شد که به نظر چارلز هالپرین،<sup>۳</sup> «هر تاریخچه‌ای از امپراتوری مغول، به هر میزان عالمانه، اگر فقط بر انعکاس ویرانگری‌های آنان تمرکز کرده باشد نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند،» چرا که «امپراتوری مغول نقش مهمی در نهادهای سیاسی، توسعهٔ اقتصادی و تنوع و تسامح فرهنگی سرزمین‌های مفتوح بازی کرد.»<sup>۴</sup> چنین نگرشی به تاریخ امپراتوری مغول در دهه‌های بعد تا به امروز گسترش روزافزونی یافته و ده‌ها کتاب و صدها مقاله دربارهٔ ابعاد اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی تاریخ جهان در عهد این امپراتوری نوشته شده است. موضوعی که دیوید مورگان از آن با عنوان «چرخش تاریخ‌نگارانهٔ عمده در پانزده بیست سال اخیر» یاد کرده است و از جمله به نظر تاریخ‌نگاران هنر در خصوص سازنده و زایشگر خواندن دورهٔ مغول اشاره می‌کند.<sup>۵</sup> همچنین، در دهه‌های اخیر گرایشی به بررسی تاریخ امپراتوری مغول در بستر جهانی—و نه منطقه‌ای یا ملی—توجه بیشتر پژوهشگران را برانگیخته است؛ موضوعی که در برگزاری کنفرانسی بین‌المللی با عنوان «چنگیزخان و جهانی شدن» نیز نمایان شد که در سال ۲۰۱۲ به مناسبت هشتصدوپنجاهمین سال تولد چنگیزخان در مغولستان برگزار شد.<sup>۵</sup>

<sup>۲</sup> به نظر مورگان، هنوز برای بیشتر مردم مرگ و ویرانی در مقیاس وسیع با نام مغولان همراه است و گرچه نمی‌خواهیم این موضوع را نادیده بگیریم، اما تأثیر مغولان بر تاریخ جهان بسیار فراتر از ویرانگری و کشتار است. بنگرید به

David Morgan, "The Mongol Empire in World History," in *Beyond the Legacy of Genghis Khan*, ed. Linda Komaroff (Leiden. Boston: Brill, 2006), 426.

برای فهرستی از پژوهش‌های صورت‌گرفته از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۹ م دربارهٔ تاریخ امپراتوری مغول بنگرید به Peter Jackson, "The State of Research: The Mongol Empire 1986 – 1999," *Journal of Medieval History*, 26:2 (2000), 189–210.

<sup>۳</sup> چارلز هالپرین، روسیه و اردوی زرین، ترجمهٔ سیدعلی مزینانی (تهران: پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام، ۱۳۹۶)، ۵۲.

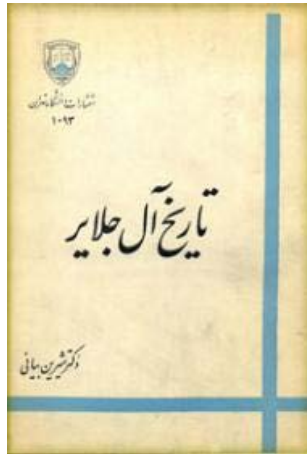
<sup>۴</sup> Morgan, "The Mongol Empire in World History," 426.

<sup>۵</sup> Michal Biran, "The Mongol Empire: The State of the Research," *History Compass*, 11:11 (2013), 1021–1033; at <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/hic3.12095/>.



تا آنجا که به تاریخ‌نگاری نوین امپراتوری مغول در ایران مربوط می‌شود، توجه به زوایای ناشناخته یا کمتر شناخته شده تاریخ عصر مغول و مشخصاً "ایلخانان مغول" در ایران با کوشش‌های استاد شیرین بیانی در اواخر دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش اهمیت قابل توجهی یافت. پیش از او، عباس اقبال با انتشار کتاب *تاریخ مغول* در ۱۳۱۲ش گزارشی عمومی، مستند و نسبتاً جامع از چگونگی ظهور امپراتوری مغول، حملات مغول به ایران، حکومت ایلخانان، حکومت‌های محلی پساایلخانی و تحولات فرهنگی-اجتماعی این دوران تا ظهور تیمور فراهم آورده بود. مرور بر کارنامه شیرین بیانی در زمینه مطالعات تاریخ مغول نشان می‌دهد که او در میان مورخان ایرانی معاصر در این زمینه سهم و جایگاه ویژه‌ای دارد. او جز نیم قرن تمرکز بر مطالعات تاریخ ایران در دوره مغول از بسیاری جهات نیز در این عرصه "فضل تقدم" دارد. نوشته حاضر بر مبنای چنین نگرشی شکل گرفته است.

### تاریخ آل جلایر: بازسازی تاریخ یک دودمان محلی



تاریخ ایران از سقوط حکومت ایلخانان مغول تا ورود تیمور به ایران (حدود ۷۳۶-۷۸۲ق/۱۳۳۶-۱۳۸۱م) شاهد دورانی کم‌نظیر از آشفتگی و تجزیه سیاسی بود. تعبیری چون "دوره حکومت‌های محلی"، "دوره فترت"، "دوره تجزیه سیاسی"

برای شرحی کوتاه درباره این کتاب بنگرید به

<http://rch.ac.ir/article/Details?id=7268/>.

این کتاب که از نمونه‌های نخستین تاریخ‌نگاری نوین در ایران به شمار می‌آید، همچنان در ایران کتابی مرجع به شمار می‌رود و تاکنون بارها بازنشر شده است.

و مانند آنها برگرفته از چنین وضعیتی‌اند. در این دوران، قدرت سیاسی در اختیار چندین حکومت با قلمروهایی کوچک و بزرگ در گوشه و کنار ایران بود و آل جلایر یکی از مهم‌ترین آنها و شبیه‌ترین آنها به حکومت ایلخانان و مدعی اصلی میراث‌داری آنان به شمار می‌آمد.<sup>۷</sup> اگرچه عباس اقبال در تاریخ مغول خود به معرفی این دودمان حکومتی پرداخته بود، اما شیرین بیانی بود که به صورت جدی و در قالب رسالهٔ دکتری خود در دانشگاه سوربن و زیر نظر کلود کائن به تحولات این حکومت و اوضاع فرهنگی-اجتماعی هم‌زمان آن پرداخت.<sup>۸</sup> متن فارسی این رساله در سال ۱۳۴۵ ش/۱۹۶۷ م و کمی پس از آغاز به کار او در گروه تاریخ دانشگاه تهران در ردیف انتشارات همین دانشگاه به چاپ رسید.

بیانی در کتاب ۴۷۰ صفحه‌ای تاریخ آل جلایر، که نخستین کار مفصل دربارهٔ یک حکومت محلی در تاریخ‌نویسی نوین ایرانی بود، با استفاده از مجموعه‌ای از منابع تاریخی، ادبی، منشآت و سفرنامه‌های اعم از خطی و چاپی<sup>۹</sup> و نیز شواهد سکه‌شناختی کوشید تاریخی جامع از این حکومت و تحولات عصر آن فراهم آورد. پاتریک وینگ که به تازگی در جلایریان: شکل‌گیری حکومت دودمانی در خاورمیانهٔ دورهٔ مغول به ابعاد دیگری از تاریخ این حکومت پرداخته است اثر بیانی را نخستین تک‌نگاری در این زمینه معرفی کرده و بر "بررسی عالی" آن در جنبه‌هایی از تاریخ جلایریان تأکید کرده است.<sup>۱۰</sup> از این منظر، کار وینگ در واقع ادامه و تکمیل کار بیانی پس از حدود پنجاه سال به شمار می‌آید. نکتهٔ قابل توجه در کار بیانی توجه ویژه‌اش به تاریخ تحولات اجتماعی-فرهنگی دورهٔ حکومت آل جلایر در دورانی بود که تمرکز

<sup>۷</sup> برای نگاهی تازه‌تر به این دورهٔ پنجاه ساله و جایگاه آل جلایر در آن و نیز اهمیت این عصر در تاریخ فکری-فرهنگی ایران و گذر از دورهٔ ایلخانی و تیموری بنگرید به

Patrick Wing, *The Jalayerids: Dynastic State Formation in the Mongol Middle East* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 2016), 1-3.

<sup>۸</sup> برای شرحی از دوران تحصیل در فرانسه از زبان خود ایشان بنگرید به امید قنبری (ویراستار)، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر شیرین بیانی* (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲)، ۱۷-۲۱.

<sup>۹</sup> توجه به این نکته ضروری است که در زمان تدوین رسالهٔ دکتری شیرین بیانی هنوز بسیاری از متون و منابع مورد استفادهٔ او تصحیح و چاپ نشده بودند. از آن جمله بودند: *زبدة‌التواریخ* حافظ ابرو، *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی و *نامهٔ نامی* اثر خواندمیر.

<sup>۱۰</sup> Wing, *The Jalayerids*, 16.

پیش از آن، عباس العزّوی، مورخ شهیر عراقی، نیز جلد دوم کتاب *تاریخ العراق بین الاحتلالین* را که تاریخ عراق از زمان حملهٔ مغول تا سقوط امپراتوری عثمانی را در هشت مجلد (۱۹۳۵-۱۹۵۵ م) در بر می‌گیرد، به بررسی حکومت آل جلایر اختصاص داده بود. تمرکز او بر تاریخ عراق و بغداد به عنوان یکی از مراکز قدرت آل جلایر بود و بیانی با بررسی تاریخ آل جلایر در زمینهٔ ایرانی-مغولی آن کاری متفاوت و جامع‌تر عرضه کرد.

اصلی تاریخ‌نویسی در ایران بر تاریخ سیاسی-نظامی بود.<sup>۱۱</sup> از چهار فصل کتاب او فقط یک فصل و حدود یک‌چهارم آن به گزارش تاریخ سیاسی آل‌جلایر اختصاص یافته و در سه فصل دیگر به “زندگی اجتماعی”، “تشکیلات اداری”، “چگونگی شهرها”، و “هنر و ادبیات” پرداخته است.<sup>۱۲</sup> نگرش فرهنگی-تمدنی یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری بیانی در پیوند با تاریخ ایران در عصر مغول است و با توجه به آنچه در تحول تاریخ‌نگاری مغول در دو سه دههٔ اخیر در ابتدای این مقاله آمد، از این جهت نیز بیانی پیشگام بوده است.

پژوهش در تاریخ آل‌جلایر علاوه بر آنکه تبدیل به برگ نخست از شناسنامهٔ علمی بیانی شد،<sup>۱۳</sup> از جهتی دیگر نیز او را خبرساز کرد. حضور بازماندگان قوم جلایر در قزاقستان پس از استقلال این کشور و از جمله دستگاه سیاسی توجه قزاق‌ها را به او جلب کرده، او را تبدیل به چهره‌ای شناخته‌شده در محافل علمی و فرهنگی آن کشور کرد و بارها از او برای سفر به قزاقستان دعوت شد.

### زن در ایران عصر مغول: نخستین تاریخ‌نگاری نوین زن در ایران



کمتر از یک دهه پس از تدوین تاریخ آل‌جلایر، بیانی کار نوآورانهٔ دیگری را به کارنامهٔ خود و تاریخ‌نگاری نوین ایرانی افزود. او با نوشتن کتاب *زن در ایران عصر مغول*

<sup>۱۱</sup>Wing, *The Jalayerids*, 16.

<sup>۱۲</sup>شیرین بیانی، *تاریخ آل‌جلایر* (ج ۲؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)، الف.ب.

<sup>۱۳</sup>چنان‌که به گفته خودش برخی او را “شیرین جلایری” می‌خواندند.

(۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م) نخستین تک‌نگاری در زمینه تاریخ‌نگاری زنان در ایران به طور عام و نخستین اثر در این موضوع را در عرصه مطالعات مغول در جهان عرضه کرد. او که دوره مغول را به درستی از نظر جایگاه و وضعیت زنان استثنایی و بااهمیت یافته بود،<sup>۱۴</sup> در این کتاب با پرداختن به موضوعاتی چون "زدواج و تشکیلات خانوادگی" و "مقام و موقع زنان در طبقات گوناگون جامعه" باز هم از تمرکز صرف بر جنبه سیاسی و درباری موضوع پرهیز کرد و کوشید ردپای زنان و مسائل مرتبط با آنان را تا حد امکان در زمینه جامعه ایرانی عصر مغول دنبال کند. در این خصوص نیز او جایگاه ویژه‌ای را در میان مغول‌پژوهان در سطح جهانی از آن خود کرد. به همین سبب، در جدیدترین پژوهش پیرامون تاریخ زنان در ایران عهد مغول از اثر بیانی با عنوان "نخستین کوشش برای مطالعه درباره زنان در حکومت مغولان" و "اثری پیشگام" یاد شده است.<sup>۱۵</sup> اهمیت کتاب زن در ایران عصر مغول تا آن اندازه بود که حدود چهل سال بعد، در سال ۲۰۱۵م، به زبان ترکی نیز ترجمه شد. مصطفی اویار، مترجم کتاب، در مقدمه خود بر ترجمه ترکی ضمن معرفی مختصر بیانی او را در زمره مغول‌شناسان برجسته در سطح جهان قرار داده و این کتاب را اثری شاخص در مطالعات ترکی-مغولی و نیز مطالعات زنان ارزیابی کرده است.<sup>۱۶</sup>

### نظام اجتماعی مغول: فتودالیسم خانه‌به‌دوشی

چنین پیداست که توجه بیانی از همان اوایل ورودش به عرصه مغول‌پژوهی به تاریخ اجتماعی جلب شد. او این توجه را در سال ۱۳۴۵ش/۱۹۶۷م با ترجمه کتاب ولادیمیر تسوف (Boris Iakolevich Vladimirtosov, 1884-1931) از زبان فرانسه

<sup>۱۴</sup> شیرین بیانی، *زن در ایران عصر مغول* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)، ۷. این کتاب در سال ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م در مجموعه "۷۰ گنج از ۷۰ سال گنجینه دانشگاه تهران" به مناسبت هفتادمین سال بنیان‌گذاری دانشگاه تهران تجدید چاپ شد.

<sup>۱۵</sup> Bruno De Nicola, *Women in Mongol Iran: The Khatuns, 1206-1335* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 2017), 6.

<sup>۱۶</sup> Sirin Beyani, *Mogol Donemi Iran'ında Kadın, Ceviren Mustafa Uyar* (Ankara: Turk Tarih Kurumu yayinlari, 2015), XV.

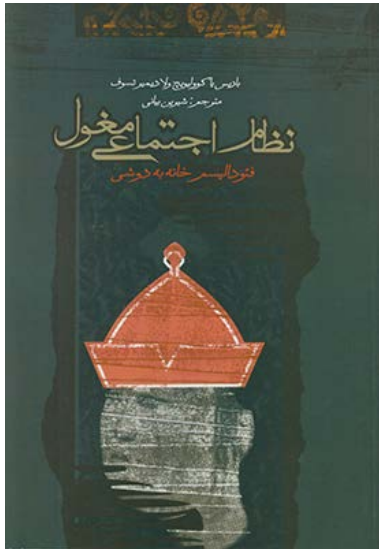
علی ارطغرل، پژوهشگر دیگر تاریخ ترکیه، نیز مقاله‌ای از بیانی با عنوان "دنیای مغول در تاریخ" را به ترکی برگردانده است:

Sirin Beyani, "Tarihçe Mogol Dnyasi", trans. Ali Ertugrul, *Dogumunun 65. Yyinda Prof. Dr. Ahmet Ozgiray'a Armagan: Tarihin Icinden* (Istanbul: IQ Kultur Sanat Yayıncılık, 2006), 61-67.

سپاس‌گزار دوست فاضل و ارجمندم دکتر نصرالله صالحی برای کمک به ترجمه توضیحات از زبان ترکی هستیم.

به فارسی نشان داد و در مقدمه مترجم چنین آورد:

در میان انواع مختلف رشته‌های مطالعات تاریخی، آنچه بیش از همه در مملکت ما بدان احساس احتیاج می‌شود، مطالعه چگونگی جوامع و زندگی اقوام و یا بهتر بگوییم طرز تشکیلات اجتماعی و اداری آنها در طی قرون و اعصار مختلف می‌باشد. گاهی جسته و گریخته به بررسی‌هایی در این زمینه برمی‌خوریم که قسمتی از تاریخ اجتماعی دوره‌ای کوتاه را روشن می‌کند، ولی به قدری این بررسی‌ها جزئی است که هیچ‌گاه نمی‌توان به‌طور کامل مانند زنجیری حلقه‌های ادوار مختلف را به یکدیگر متصل کرد و از آن سلسله زنجیری ساخت که گذشته را به حال بپیوندد و شاید بتوان گفت که تنها چند حلقه از این زنجیر بسیار بلند در دست است. کتاب حاضر را می‌توان یکی از این حلقه‌ها دانست که تاریخ زندگی اجتماعی مغول را در خود مغولستان به بهترین وجهی تشریح و توصیف کرده است.<sup>۱۷</sup>



ولادیمیر تسوف در این کتاب کوشیده است با واکاوی در عمق جامعه مغولی درک بهتری از تاریخ آنان و امپراتوری جهانی‌شان را ممکن سازد و بیانی با ترجمه اثر

<sup>۱۷</sup> باریس یا کوولویوچ ولادیمیر تسوف، *نظام اجتماعی مغول: فتودالیمس خانه‌به‌دوشی*، ترجمه شیرین بیانی (چ ۳؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، هفت.

او، این نوع نگاه به تاریخ مغول را به ایرانیان شناساند. بیانی که ولادیمیر تسوف را مغول‌شناسی شاخص و گمنام در ایران یافته بود، بعدها اثر دیگر او با عنوان چنگیزخان را نیز از فرانسه به فارسی برگردانید تا روایتی دیگر—و از جهاتی متفاوت—از سرگذشت فاتح بزرگ تاریخ جهان در اختیار خواننده ایرانی بگذارد.<sup>۱۸</sup>

### ترجمه تاریخ سَرّی مغولان: قدیم‌ترین متن در تاریخ برآمدن چنگیزخان



تاریخ سَرّی مغولان یا یوان چائو پی شه غالباً نزدیک‌ترین متن ادبی-حماسی و تاریخی به دوران شکل‌گیری امپراتوری مغول به دست چنگیزخان شناخته می‌شود و بنابراین قدیمی‌ترین یا دست‌اول‌ترین روایت از تاریخ این امپراتوری است. این متن بی‌تردید مهم‌ترین میراث مکتوب مغولان و کامل‌ترین گزارش از چگونگی نگرش مغولان به چنگیزخان و نخستین جانشین وی، اگتای قاآن، قهرمانان این امپراتوری، تشکیلات و جنبه الهی این

امپراتوری است.<sup>۱۹</sup> اهمیت آن از نظر تاریخ سیاسی در آن است که چگونگی شکل‌گیری ایلات، به‌هم‌پیوستگی آنها (اتحادیه قبایلی)، برآمدن چنگیزخان و تبدیل حکومت او به حکومتی جهانی را با جزئیات طرح می‌کند. همچنین، از دیدگاه تاریخ اجتماعی جنبه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی، آداب و رسوم، پیوندهای خانوادگی، اقتصاد صحرانشینی، و مکان‌های جغرافیایی را معرفی می‌کند و منبع مورخان بعدی از جمله رشیدالدین در آفرینش شاهکار تاریخ‌نگاری عهد مغول یعنی جامع‌التواریخ بوده است.<sup>۲۰</sup> این اثر که ظاهراً در اصل مجموعه روایاتی شفاهی بوده، نمونه آشکار داستان‌گویی به مثابه تاریخ و نقطه عطفی است در سنت ادبی قوم مغول، یعنی تبدیل تاریخ و ادبیات شفاهی به متن مکتوب. گویا این شرح مکتوب روایت رسمی

<sup>۱۸</sup> باربس یاکوبوویچ ولادیمیر تسوف، چنگیزخان، ترجمه شیرین بیانی (تهران: اساطیر، ۱۳۸۷).

<sup>۱۹</sup> Christopher P. Atwood, "The Date of Secret History of the Mongols, Reconsidered," *Journal of Song-Yuan Studies*, 37 (2007), 1.

<sup>۲۰</sup> تاریخ سَرّی مغولان، ترجمه فرانسه پل پلبو، ماری دومینیک اون و رودریکا پوپ، ترجمه فارسی شیرین بیانی (ج ۳؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۷)، ۳؛ همچنین بنگرید به دیوید مورگان، مغول‌ها، ترجمه عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱)، ۱۶-۱۴ و ۶۹.



و پذیرفته‌شده‌ی خاندان حکومتی مغولان از سرگذشت خودشان و در تملک آنان بوده است و احتمالاً مخاطبان آن نیز فقط اشراف مغول بوده‌اند.<sup>۲۱</sup>

تاریخ سّری که در دوران پس از امپراتوری مغول به چینی ترجمه شده بود، در اواخر سده نوزدهم میلادی مورد توجه مورخان تاریخ امپراتوری مغول قرار گرفت و به زبان‌های دیگر از جمله روسی، انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه شد. نخستین بار در اواخر سده سیزدهم قمری/نوزدهم میلادی، تاریخ سّری مغولان را پلادایوس کافاروف به روسی ترجمه کرد که سبب آشنایی پژوهشگران اروپایی با این اثر شد. در سال ۱۹۴۱، کوزین دوباره آن را به روسی ترجمه و در لنینگراد چاپ کرد. در سال ۱۹۴۸، اریش هینیش آن را به آلمانی و احمد تمیر آن را به ترکی ترجمه و به ترتیب در لایپزیگ و آنکارا منتشر کردند. پل پلیو نیز نیمی از کتاب را به فرانسه ترجمه کرده بود که درگذشت و شاگردش، لویی هامبی، آن را در سال ۱۹۴۹ چاپ کرد. در ۱۹۶۶، آرتور والی این کتاب را به انگلیسی ترجمه و با عنوان تاریخ سّری مغولان و دیگر قطعات چاپ کرد. در دهه ۱۹۷۰، دوراکه ویلتس بخش‌هایی از آن را بر اساس متن اصلی مغولی، در مجله مقالاتی درباره تاریخ خاور دور به چاپ رسانید. سرانجام کامل‌ترین ترجمه انگلیسی کتاب کار فرانسیس وودمن کلیوز است که در سال ۱۹۸۲ چاپ شد. سپس، پل کان بر اساس این ترجمه و با توجه به سنت شعری مغولی آن را به نظم درآورد و در ۱۹۸۴ م چاپ کرد. تاریخ سّری مغولان به ژاپنی، مجاری، ترکی، لهستانی، آلمانی، و مغولی جدید نیز ترجمه شده است.<sup>۲۲</sup>

بیانی در سال ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۱ م شش فصل از تاریخ سّری را از ترجمه فرانسه پلیو به فارسی ترجمه و بدین ترتیب برای نخستین بار بخشی از این متن مبنایی را در اختیار فارسی‌زبانان قرار داد. چهل و پنج سال بعد (۱۳۹۷ ش/۲۰۱۸ م) بیانی دنباله متن یعنی شش فصل دیگر تاریخ سّری را که در سال ۱۹۹۴ ماری دومینی اِون و رودریکا پوپ به فرانسه ترجمه و به همراه ترجمه پلیو در یک مجلد به چاپ رسانده بودند ترجمه و بدین ترتیب متن کامل این منبع مهم را به زبان فارسی با افزودن مقدمه‌هایی تازه در قالب چاپ سوم کتاب در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان گذاشت. ترجمه بیانی از تاریخ سّری مغولان همواره مهم‌ترین مرجع دانشجویان و دانشوران فارسی‌نویس بوده است.

<sup>۲۱</sup> افسانه منفرد، «تاریخ سّری مغولان»، در دانشنامه جهان اسلام، دسترس‌پذیر در <http://lib.eshia.ir/23019/1/3105/>.

<sup>۲۲</sup> بنگرید به منفرد، «تاریخ سّری مغولان».

## دین و دولت در ایران عهد مغول: روایتی فرهنگی از تاریخ ایران در دوره فرمانروایی مغولان



می‌توان گفت که تاریخ‌نگاری شیرین بیانی درباره مغولان با نگارش کتاب سه جلدی *دین و دولت در ایران عهد مغول* به مرحله تکامل رسید و دیدگاه متفاوت او به این دوره از تاریخ ایران در میان مورخان ایرانی و پژوهشگران تاریخ مغول آشکارتر شد.<sup>۲۳</sup> او این تفاوت را با انتخاب محور کلی “دین و دولت” برای اثر خود و عنوان خاص “حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ” برای جلد دوم اثر و نیز عنوان‌گذاری بسیاری از فصول کتاب آشکار کرد؛<sup>۲۴</sup> با به کارگیری عنوان‌هایی چون “مغولان در رویارویی با ایران و اسلام”، “مسئله جانشینی چنگیزخان و رابطه آن با ایران و اسلام”، “ورود غرب با حربه دین در معركة شرق”، “هلاکوخان و فتح سراسری ایران: سکون اسلام” در جلد نخست کتاب و “تأسیس حکومت ایلخانی در ایران: دوران تزلزل ملی و فرهنگی”، “کشمکش بر سر قدرت مسلمانی اولین سلطان ایلخانی (تگودار)”، “غازان، اسلام و ایران”، “پس از غازان: سلطنت اولجایتو و تضاد عقیدتی”، “وضع روحانیان در عهد ایلخانی”، “تشیع: نهضت ضد بیگانه”، “تصوف: نیروی فائق در جامعه ایلخانی”، “فتوت: زمینه‌ساز نهضت‌های مردمی” و “حکومت سربداران: نهضت اهل فتوت” نگرش دینی-فرهنگی خود به برخورد مغولان با اسلام و ایران را معین ساخت. اینکه شرایط سیاسی-فرهنگی زمانه (دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ ش) تا چه اندازه در

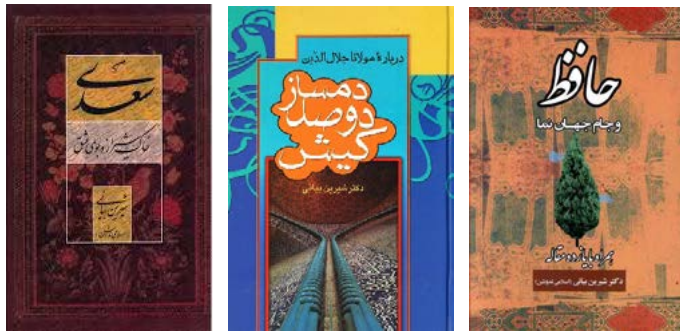
<sup>۲۳</sup> شیرین بیانی، *دین و دولت در ایران عهد مغول* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷-۱۳۷۵).

<sup>۲۴</sup> عنوان‌های فرعی سه جلد *دین و دولت در ایران عهد مغول* عبارت‌اند از جلد اول: از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی؛ جلد دوم: حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ؛ جلد سوم: سیاست ایلخانان در جهان اسلام.

شکل‌گیری یا تعمیق چنین نگرشی در بیانی تأثیر داشته، توجه برخی را به خود جلب کرده است.<sup>۲۵</sup>

بدین ترتیب، جدای از نوع نگرش و تحلیل‌های بیانی، او در ردیف پیشگامان نگاه فرهنگی-تمدنی به تاریخ عصر مغول است. بیانی فرهنگ و هویت ایرانی و از جمله مذهب را همچون رشته‌ای در سراسر تاریخ ایران در دوره مغول کاویده و کوشیده است پویایی و پایداری آن را به‌رغم تمامی مصائب و ناملایمات به تصویر بکشد. شاخص بودن کار او با گزینش کتاب دین و دولت در ایران عهد مغول به عنوان کتاب سال کشوری (۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م) و کتاب برگزیده دانشگاه تهران کمی پس از چاپ آن آشکار شد و آن را تبدیل به کتابی مرجع از جمله برای پژوهشگران و دانشجویان کرد؛ چنان‌که تقریباً جایش در هیچ پژوهشی به زبان فارسی اعم از مقاله، پایان‌نامه و کتاب خالی نیست. گزیده‌ای از کتاب دین و دولت در ایران عهد مغول با عنوان مغولان و حکومت ایلخانی در ایران به عنوان متن درسی دانشگاهی در دو دهه گذشته بارها به چاپ رسیده است.<sup>۲۶</sup>

## پرداختن به ادبیات در متن تاریخ



شیرین بیانی از جهتی دیگر نیز در میان مورخان دوره معاصر متمایز است. او در چارچوب نگرش فرهنگی-تمدنی خود به تحولات تاریخی و احتمالاً در اثر مؤانست

<sup>۲۵</sup> آنجا پیستور حاتم در بررسی نگرش تاریخ‌نویسان معاصر ایران به تاریخ مغول بر آن است که چنین تأثیری وجود داشته است. بنگرید به

Anja Pistot-Hatam, "Historical Thinking in Intercultural Perspective: Iranian Narratives on the Mongol Era," *Middle East: Topics & Arguments*, 3 (December 2014), 108-109.

<sup>۲۶</sup> شیرین بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹).

دیرین با دکتر اسلامی ندوشن در کسوت یکی از سرآمدان عرصهٔ زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی، احوال و آثار برجستگان ادب فارسی را نیز مورد توجه قرار داده است. در چنین زمینه‌ای، به سه شخصیت شاخص معاصر با دورهٔ مغول که از قضا از قله‌های شعر و ادب ایران زمین‌اند، یعنی مولانا و سعدی و حافظ، پرداخته است. سه کتاب *حافظ و جام جهان‌نما*،<sup>۲۷</sup> *سعدی، خاک شیراز و بوی عشق*<sup>۲۸</sup> و *دمساز دوصد کیش: دربارهٔ مولانا جلال‌الدین*<sup>۲۹</sup> در چنین فضای تاریخی-فرهنگی پدید آمده‌اند. بیانی در این آثار کوشیده تا افکار، آراء و اندیشه‌های شخصیت‌های مورد بحث خود را در پرتو زمانه و شرایطی که در آن می‌زیسته‌اند واکاوی کند و به همین سبب، گاه نگرش‌هایی متفاوت عرضه می‌دارد. بیانی کتابی نیز در شرح احوال و افکار خیام نوشته است.<sup>۳۰</sup>

### سخن پایانی



از آنچه گذشت پیداست که هنگامی که از استاد شیرین بیانی سخن به میان می‌آید با فردی روبه‌رویم که نیم قرن به گونه‌ای عاشقانه و خستگی‌ناپذیر برای پیشبرد مطالعات تاریخ ایران در دورهٔ مغول و در نگاهی فراتر فرهنگ و هویت ایرانی از پای ننشسته است. او سومین نسل از مورخان یک خاندان است که خود پدیده‌های بی‌نظیر در تاریخ‌نگاری معاصر در ایران یک قرن اخیر به شمار می‌آید. جدش، مهدی ملک‌زاده، با

نگارش *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* یکی از منابع مهم مربوط به این تحول تاریخی سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران را به یادگار گذاشته است.<sup>۳۱</sup> پدرش، خان‌بابا بیانی، افزون بر بنیادگذاری دانشگاه تبریز که یکی از ده دانشگاه برتر ایران است، گروه تاریخ دانشگاه تهران را نیز بنیاد گذاشت و با تألیف و تصحیح چند اثر و از جمله *پنجاه سال تاریخ ایران در دورهٔ ناصری* و *تصحیح ذیل جامع‌التواریخ رشیدی* و پژوهش در اسناد

<sup>۲۷</sup> شیرین بیانی، *حافظ و جام جهان‌نما، همراه با یازده مقالهٔ دیگر* (تهران: جامی، ۱۳۹۷).

<sup>۲۸</sup> شیرین بیانی، *سعدی، خاک شیراز و بوی عشق* (تهران: یزدا ۱۳۸۹).

<sup>۲۹</sup> شیرین بیانی، *دمساز دوصد کیش: دربارهٔ مولانا جلال‌الدین* (تهران: جامی، ۱۳۸۴).

<sup>۳۰</sup> شیرین بیانی، *خیام کیست؟* (تهران: یزدا، ۱۳۹۰). همچنین بنگرید به طوبی فاضلی‌پور، "خیام کیست؟ مروری بر یک کتاب از دکتر شیرین بیانی"، در همین شمارهٔ *ایران نامک*.

<sup>۳۱</sup> مهدی ملک‌زاده، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۲۸).

تاریخ روابط خارجی ایران نقشی مهم در پیشبرد مطالعات تاریخی در ایران داشت.<sup>۳۲</sup> مادر فرهیخته او، ملکه ملک‌زاده بیانی، در کسوت باستان‌شناس و سکه‌شناسی سرآمد و از مدیران ارشد موزه ملی ایران نیز منشأ خدمات ارزنده‌ای به تاریخ ایران بوده است.<sup>۳۳</sup> با این پیشینه می‌توان به شایستگی بیانی در تداوم میراث خاندانش و پیشبرد قابل توجه آن رأی داد. شهرت علمی بیانی به فراتر از مرزهای ایران نیز رفته است. علاوه بر "نخستین" بودن برخی آثار او در عرصه مطالعات مغولی در مقیاس جهانی و ترجمه برخی آثارش، دریافت نشان عالی دولت مغولستان به پاس مطالعاتش در تاریخ امپراتوری مغولان در فروردین سال ۱۳۹۵ش/ مارس ۲۰۱۷م در تهران آوازه او را تا خاستگاه این امپراتوری نیز کشانیده است.

<sup>۳۲</sup> خانبابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری: مستند به اسناد تاریخی و آرشئولوژی (تهران: نشر علم، ۱۳۷۵)؛ حافظ ابروه، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، مقدمه و حواشی و تعلیقات خانبابا بیانی (تهران: نشر علمی، ۱۳۱۷).

<sup>۳۳</sup> بانو ملکه ملک‌زاده بیانی (۱۲۸۹-۱۳۷۷ش)، فرزند دکتر مهدی ملک‌زاده، یکی از پایه‌گذاران علم پزشکی جدید در ایران و نویسنده تاریخ مشروطیت ایران؛ نواده ملک‌المتکلمین، مقتول به دستور محمدعلی شاه؛ و نیز نواده میرزا سلیمان خان میکده، از مشروطه‌خواهان معروف، بود. ملک‌زاده بیانی تحصیلات خود را در مدرسه‌های ناموس و ژاندارک در تهران به پایان برد و موفق به اخذ دیپلم زبان فرانسه شد. به واسطه استعداد هنری‌اش به آموختن نقاشی گرایش پیدا کرد و نگارگری ایرانی را نزد استاد بزرگ مینیاتور ایران، میرزاهدای خان تجویدی، فرا گرفت. از سال ۱۳۱۳ش در دانشکده هنرهای زیبای پاریس (École des Beaux-Arts) به فراگیری نقاشی همت گماشت و در عین حال، فوق لیسانس خود را در رشته باستان‌شناسی و سکه‌شناسی به صورت مشترک در دانشکده لوور و دانشگاه سوربن پاریس گذراند و در زمینه سکه‌شناسی (Numismatic) تخصص یافت. ملک‌زاده بیانی در سال ۱۳۱۷ش، پس از چهار سال، به ایران بازگشت و به ریاست بخش سکه‌ها، مهرها و الواح موزه ایران باستان موزه ملی ایران برگزیده شد. در موزه ملی ایران، بخش سکه‌ها و مهرها به همت ایشان و به شکل علمی ایجاد شد. آموزش سکه‌شناسی و مهرشناسی در گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران در شمار سایر فعالیت‌های او بود که از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۷ش، یعنی سال بازنشستگی ایشان، ادامه یافت. از این منظر، بانو ملک‌زاده بیانی را می‌باید پایه‌گذار تدریس علمی این شاخه از مطالعات باستان‌شناسی در ایران دانست. ملک‌زاده به زبان‌های فرانسه و انگلیسی مسلط بود و در خواندن خطوط باستانی تبحر داشت. تأسیس موزه سکه بانک سپه، برگزاری نمایشگاه تاریخ و هنر ایران در ایتالیا و تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و ایتالیا، برپایی و ریاست نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان (ایتالیا)، عضویت در انجمن بین‌المللی کارشناسان سکه در فرانسه و سویس و عضویت در دفتر ایران یونسکو در اولین دوره تأسیس شعبه این مؤسسه علمی-فرهنگی در ایران از جمله تکاپوهای علمی و فرهنگی ملک‌زاده بیانی بوده است. از او مقاله‌هایی به زبان‌های فارسی و فرانسه در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده که عمدتاً درباره سکه‌ها و مهرهای دوران باستان و سکه‌های دوره اسلامی ایران‌اند. برخی از کتاب‌های او عبارت‌اند از سیمای شاهان و نام‌وران ایران باستان (۱۳۴۹)، پایتخت‌های قدیم ایران (۱۳۴۹)، هنر ساسانی (به زبان فرانسه، ۱۳۵۰)، تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره اشکانیان (جلد ۱، ۱۳۵۵)، تاریخ سکه دوره پارتی (جلد دوم، ۱۳۵۷)، سیمای بزرگان ایران (با همکاری خانبابا بیانی، ۱۳۵۸)، سکه‌های ایران در دوران هخامنشی (ترجمه با همکاری خانبابا بیانی، ۱۳۵۸) و تاریخ مهر در ایران (۱۳۶۴) اشاره کرد. درباره احوال و آثار او بنگرید به پوران فرخزاد، کارنامه زنان کارای ایران از دیروز تا امروز (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱)؛ شیرین بیانی "ملک‌زاده بیانی: بانویی در گذرگاه تاریخ معاصر ایران" در شیرین بیانی، پنجره‌های رو به تاریخ: مجموعه نوزده مقاله (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۷).



**Iran Namag**

**A Quarterly of Iranian Studies**

To Subscribe Please Visit:  
[www.irannamag.com/en/subscriptions/](http://www.irannamag.com/en/subscriptions/)

### 2020 Subscription Rates:

#### **Individual**

Online: \$50  
Online & Print: \$200

#### **Institutional**

Online: \$200  
Online & Print: \$300

#### **Contact Us:**

[editor@irannamag.com](mailto:editor@irannamag.com)

**Editor-in-Chief: Mohamad Tavakoli**

Department of Near and Middle Eastern Civilizations, University  
of Toronto, 4 Bancroft Ave, Toronto, ON, M5S 1C1